

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی
۰۷ فبروری ۲۰۱۶

"فرهنگ ایستا" نزد "آرامش دوستدار"

اخیراً طی مقاله ای از "نیکروز اولاد اعظمی" تحت عنوان "در شیفتگی جنون آمیز رویدادهای منتهی به انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۵۷" دیدم که به آرامش دوستدار مراجعه کرده است. البته از آنجائی که من به جرگهٔ اپوزیسیون های خارج از کشور نیستم و در نتیجه جزء منابع آگاه نمی باشم سال ها پیش که آثار این نویسنده منتشر شده بود، جزء خوانندگان آرامش دوستدار نبودم و در هر صورت وقتی می بینم فردی به هر عنوانی از رادیو بین المللی فرانسه بخش فارسی معرفی می شود، مقاومت شکست ناپذیری در من ایجاد می شود، که باور نکنم.

امروز در یوتوب به دیدن و شنیدن حرف های آرامش دوستدار به تشویق نوشته "نیکروز" رضایت دادم. به طور مختصر در مورد نظریهٔ آرامش دوستدار و "فرهنگ ایستا" یا توقف اندیشه که مذهب و دین اسلام را در ایران مقصر می داند، هیچ مشکلی نمی بینم. ولی ما اگر در بررسی عوامل بازدارندهٔ پیشرفت و خلاصه عواملی که موجب توقف زندگی در ایران شده است تنها مذهب را مقصر بدانیم دچار اشتباه شده ایم. ولی اشتباه آرامش دوستدار و طرفدارانش در این نکته است که، پیدایش خود مذهب و اعتقادات فراطبیعه از یک سو به سطح رشد نیروهای مولد و درجهٔ تسلط انسان بر طبیعت و ضرورت های طبقاتی بستگی داشته است، و از چنین وضعیتی برآمده است، به این معنا که وجههٔ تاریخی دارد.

عواملی که موجب توقف اندیشه می شود تنها و تنها به حاکمیت دین و در ایران به حاکمیت ۱۴۰۰ سالهٔ ایدئولوژی دین اسلام منحصر نیست زیرا نظام سرمایه داری و جامعهٔ طبقاتی در پیوند تنگاتنگ با چنین واقعیتی بوده و است. اندیشه با شکم خالی، اندیشه وقتی که شما در چنبرهٔ دیوان سالاری کشورهایانی حتی مثل فرانسه گرفتار می شوید، و یا وقتی در زندگی روزمره فضائی خصوصی برای "اندیشیدن" نمی یابید و وقتی پی می برید که چیزی به نام جامعهٔ پولیسی تنها یک مقالهٔ روزنامه نبوده، اندک اندک با مشکل اندیشیدن روبه رو می شوید. باید به زندگی روزمره فکر کنیم – نه در متن جامعهٔ اسلام زده یعنی فلاکت زده ایران بلکه در متن جوامع غرب. باید به روزمره بازگردیم و ببینیم که عملاً چه عواملی موجب عدم تمرکز فکری ما می شود. اگر حساب بانکی تان را در فرانسه کنترل نکنید، مبالغی را از شما می گیرند که باید پس از دوندگی های بسیار باز پس بگیرید. باید چهار دانگ حواس شما روی این موضوع جمع باشد، در سوپر مارکیت باید مواظب باشید که سرتان کلاه نگذارند چون که سیستم قیمت گذاری از قفسهٔ کالاها تا صندوق ممکن است تفاوت داشته باشد... و توجه داشته باشیم و باید بدانیم که مغز یا سیستم عصبی و یا روان ما به چه شکلی کار می

کند. خلاف تمام تصورات در مغز انسان مرکزیتی وجود ندارد، در نتیجه به دلیل اجباری که در کنترل روزمره داریم، مثلاً مقابله با کلاهبرداری های رایج در نظام سرمایه داری که اتفاقاً برخی از آنها قویاً ریشه مذهبی دارد و با تکیه به آرمان و اعتقاد مذهبی صورت می گیرد (مثلاً در اختیاری بودن اعمال و این که ما در انتخاب بین بد و خوب، ارزان و گران آزاد هستیم)، و یا وقتی در چنبره دیوان سالاری با مشکلی روبه رو می شویم و یا مشکلی برایمان اختراع می کنند، در هر موردی انرژی و تمرکز ما را برای دراز مدت به خود وامی دارد و حتی به واکنشهای خودکار در می آید... در همه جا و شاید برای همیشه با آن درگیر هستیم، چون که در مغز انسان مرکزیتی وجود ندارد که قابل تفکیک و جدا کردنی باشد. هالیوود بزرگترین تولید کننده سینما و به عنوان یکی از صنایع سنگین، روی محور توقف اندیشه می گردد.

اندیشیدن هم فعالیتی است که به ضروریات و امکانات خاصی نیاز مند است که به دلیل جامعه طبقاتی و انحصارات و تمام توطئه هائی که ما احتمالاً و یا حتماً قربانی آن هستیم می تواند دچار توقف شود. می توانیم به رسانه ها فکر کنیم که نظام سرمایه داری، کشورهای امپریالیستی چگونه و با چه امکانات سوپر و هیپر مدرن و با چه بودجه های کلانی در پی لائتی خواندن برای افکار عمومی هستند تا طرح های ضد بشری شان را به شکلی که مقبولیت عام داشته باشد به اجراء گذارند.

مذهب یعنی خرد گریزی، ولی فراموش نکنیم که نظام سرمایه داری نیز خردگریز است زیرا تمام فعالیت های انسانی و حتی زندگی را در صورتی معنی دار می داند که برای صاحبان سرمایه موجب سود و سود بیشتر باشد. از راکفلر پرسیده بودند از دیدگاه شما یک فرد به چه مقدار پول نیازمند است تا تمام آرزومندی هایش را برآورده کند؟ پاسخ گفته بود: "همیشه یک کمی بیشتر"...

حمید محوی